

غزل شماره ۵۵

نَم زلفِ تو دَامِ کفر و دین است

ز کارستانِ او یک شمه این است

بِمالِ مُعْجَزِ حَسَن است لیکن

حدیثِ غمزه ات سحرِ مبین است

ز چشمِ شوخِ تو جان کی توان برد؟

که دایم با کمانِ اندر کمین است

بر آن چشمِ سیاه صد آفرین باد

که در عاشق کُشی سحر آفرین است

عجب علمِ هیئتِ عشق

که چرخِ هشمش، به مقم زمین است

تو پذیری که بد گرفت و جان برد؟

حسابش با کرام الکاتبین است

شو حافظ ز کید زلفش ایمن

که دل برد و کنون در بندِ دین است

تفسیر فال

گوشه‌ای از توانایی‌ها و مهارت‌های خود را به نمایش بگذارید، چرا که قطعا این اقدام مورد استقبال قرار خواهد گرفت و همگان به تحسین شما خواهند پرداخت. در این راستا، حادثه‌ای شگفت‌انگیز رخ می‌دهد که کمتر از یک معجزه نیست؛ چنین واقعه‌ای موجب می‌شود تا کمالات و ویژگی‌های مثبت شما بیشتر به چشم بیاید و در نتیجه به رشد شخصیتی شما کمک کند. همچنین، همواره از بلایا و مشکلات ایمن خواهی بود، اما مهم است که هرگز خود را از ایمان و دین جدا نسازی. اعتقاد راسخ به اصول اخلاقی و معنوی نه تنها شما را در برابر چالش‌ها مقاوم‌تر می‌سازد بلکه راهنمایی خواهد بود برای دستیابی به موفقیت‌های بیشتر در زندگی.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)